

متن پرسش

سلام علیکم. شما در پاسخ به این سوال که اگر مرگ غیر طبیعی بر اثر گناهان، به خاطر آینده نگری نفس است چرا که در همان دوران جوانی آینده ی خود را نمی بیند و از اصلاح خود ناامید نمی شود تا بمیرد؟! فرمودید: «نفس در ابتدای امر امید دارد استعدادهایش به فعلیت برسد و در به کارگیری بدن بی وقفه تلاش می کند و هیچ تصویری جز به فعلیت رساندن استعدادهایش در خود ندارد و ابداً به آینده ی دور خود توجه نمی کند، تا آن که با بدنی روبه رو می گردد که دیگر امکان به فعلیت درآوردن استعدادهایی که مد نظر نفس است در آن نیست و از اعمال فرمان به آن بدن جهت به فعلیت آوردن استعدادها مأیوس می گردد، در چنین حالتی است که آرام آرام یأس مورد بحث ظهور می کند و در نهایت منجر به انصراف نفس از بدن میگردد.» سوالم این است که اگر نفس در ابتدا به آینده دور خود توجه ندارد، چطور در دوره ی جنینی آینده نگری میکند و میداند در دنیا به چه بدنی نیاز دارد، لذا مژّه و دست و ابرو ... همه را میسازد؟! آیا این تناقض با فرمایشات شما نیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ممکن است نفس از بعضی جهات متوجه نیازهای خود باشد و اعضاء مناسب آن نیاز را در دوره ی جنینی بسازد، ولی این غیر از آن است که عدم کمال خود را احساس کند و از تغییر آن مأیوس شود. موفق باشید